



The Contrast between Dystopia & Utopia in Ghada al-Samman's Works

Zahra Farid ¹ | Reyhaneh Mollazadeh ^{2*}

1. Assistant Professor of Arabic Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.
Email: z.farid@alzahra.ac.ir
2. Corresponding Author, Assistant Professor of Arabic Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.
Email: r.mollazadeh@alzahra.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 10/08/2023

Received in revised form:
21/01/2024

Accepted: 27/01/2024

Published online: 22/06/2026

Keywords:

Dystopia,
Utopia Corrupt City,
Real City,
Arabic Contemporary Novel,
Ghada al-Samman.

ABSTRACT

Human avarice and the devastating consequences of ruinous wars in the 20th century made it impossible for writers to embody utopia or its realization. As human problems grew more complex, this literature was overshadowed by pessimism, its tone becoming increasingly poignant and steering literary works toward dystopian themes. The challenge of realizing utopia and the responsibility of literature led writers to embrace the concept of "Utopia." "Utopia" is a society that maintains hope for continuous improvement across generations, despite numerous problems. Ghada al-Samman, a contemporary Syrian novelist influenced by the chaotic conditions in Arab countries, eloquently portrays the gloom of her society. Using a descriptive-analytical approach, this essay explores the factors contributing to the genesis of dystopia and its characteristics within the writer's worldview, as well as her hopeful vision of a utopia. The findings suggest that Ghada al-Samman envisions a promising utopia for her audience, despite the dystopian atmosphere and the focus on the causes behind the emergence of a corrupt city, superstitious beliefs, and the isolation of open-minded individuals. Al-Samman's utopia is attainable through unity, effort, and resistance against both domestic and international adversaries, even though the path to utopia may be long.

Cite this article: Farid, Z & Mollazadeh, R. (2026). The Contrast between Dystopia & Utopia in Ghada al-Samman's Works. *Research in Narrative Literature*, 15 (2), 95-118.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 10.22126/rp.2024.9447.1820

Extended abstract

Introduction

In the new era, as the problems facing human societies have intensified, a kind of urban anti-utopian atmosphere has emerged in the works of contemporary writers. Gradually, the hope of achieving utopia has disappeared from these works. However, the purpose of literature (providing hope) remains intact. Consequently, writers have developed a new concept known as "Protopia."

Protopia is a city that, despite numerous challenges, sustains hope for improvement across generations. Ghada Al-Samman, a contemporary Syrian novelist influenced by the turbulent political, social, and cultural conditions in Arab countries, vividly depicts the darkness of her society. This essay, employing a descriptive-analytical approach, explores the factors contributing to the emergence and characteristics of dystopia within the ideological framework, alongside the hopeful vision of Protopia in the author's mind.

Materials & Methods

Using a descriptive-analytical method and relying on library sources, this paper aims to explore the author's approaches to resolving chaotic situations by analyzing the dystopian elements in Ghadah Al-Samman's novel. It also seeks to identify ways to address these problems and transition from a corrupt society to a healthier one.

Results & Discussion

By examining the social, political, and cultural factors that contribute to the collapse of dystopias in the writer's works, we will explore the vision of the future society of Arab countries as presented by Ghada Al-Samman. Our goal is to determine whether this vision of humanity's future, as depicted by Al-Samman, is utopian or protopian. The results suggest that Ghadah Al-Samman presents a hopeful protopia to her audience, despite the prevailing anti-utopian atmosphere in her stories. She addresses the causes behind the creation of the corrupt city, including war, defeat, oppression, betrayal, corruption, poverty, superstitious beliefs, and the isolation of intellectuals. The mental protopia envisioned by Al-Samman can be achieved through unity, effort, and resistance against both domestic and foreign enemies, although it remains distant from utopia.

Conclusion

Ghada Al-Samman's works, whether poetry or prose, reflect the harsh realities of contemporary Arab societies. In her stories, Ghada portrays the bleak and tragic conditions of these countries following the devastating defeat by Israel and the civil wars in Lebanon.

The dystopian atmosphere in her works is deeply influenced by this defeat and its impact on the souls and bodies of the people. To overcome this darkness, she depicts a protopia—a city where people take small steps toward freedom and prosperity each day.

In the life-and-death struggles depicted in Al-Samman's works, life always triumphs over death. The return of intellectuals to their homeland to continue the fight, along with the growing awareness among the people—especially the youth—to confront both foreign enemies and domestic adversaries such as the noble class and ruthless rulers, marks the beginning of a struggle that intensifies daily. This is a growing trend in which Al-Samman firmly believes.



تقابل ویران‌شهر و واقع‌شهر در آثار غاده السمان

زهرا فرید^۱ | ریحانه ملازاده^{۲*}

۱. استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران.

رایانامه: z.farid@alzahra.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران.

رایانامه: r.mollazadeh@alzahra.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژه‌های کلیدی:

دستوپا،

پروتوپا،

ویران‌شهر،

واقع‌شهر،

رمان معاصر عربی،

غاده السمان.

زیاده‌خواهی‌های بشر و پیامدهای دهشتناک جنگ‌های خانمان‌سوز قرن بیستم، نویسندگان را از تجسم آرمان‌شهر و تحقق واقعی آن ناتوان ساخت. با پیچیده‌تر شدن مشکلات انسانی این ادبیات قربانی بدبینی شد و لحن آن با گزندگی بیشتری درآمیخت و آثار ادبی را به سمت ادبیات پادآرمان‌شهری سوق داد. در این میان چالش ناممکن بودن تحقق آرمان‌شهر و وظیفه ادبیات که امید بخشی بود نویسندگان را به مفهوم واقع‌شهر رساند. واقع‌شهر شهری است که با وجود مشکلات فراوان امید اصلاح را در میان نسل‌ها زنده نگه می‌دارد. غاده السمان رمان‌نویس معاصر سوری، متأثر از اوضاع نابسامان کشورهای عربی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، تاریکی‌های جامعه خود را با قلمی رسا به تصویر می‌کشد. جستار حاضر، با شیوه توصیفی-تحلیلی به جستجوی عوامل پیدایش و مشخصات ویران‌شهر در نظام اندیشگانی و واقع‌شهر امید بخش ذهن این نویسنده می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد غاده السمان با وجود سلطه فضای پادآرمان‌شهری بر داستان‌هایش و پرداختن به دلایل ایجاد فاسدشهر چون جنگ، شکست، ظلم، خیانت، فساد، فقر، اعتقادات خرافی و انزوای روشنفکران، واقع‌شهر امیدبخشی را مقابل چشم مخاطب قرار می‌دهد. واقع‌شهر ذهنی السمان با اتحاد، تلاش و مقاومت در برابر دشمنان داخلی و خارجی قابل دستیابی است، هرچند که با آرمان‌شهر فاصله فراوانی دارد.

استناد: فرید، زهرا و ملازاده، ریحانه (۱۴۰۵). تقابل ویران‌شهر و واقع‌شهر در آثار غاده السمان. پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۱۵(۲)، ۹۵-۱۱۸.



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/rp.2024.9447.1820

۱. پیشگفتار

مفهوم فاسدشهر بدون تعریف آرمان‌شهر ممکن نیست. «آرمان‌شهر کمال مطلوب سیاسی یا اجتماعی اما تحقق‌ناپذیری است که واقعیت‌ها، طبیعت انسان و شرایط زندگی در آن ملحوظ نشده‌اند» (روویون، ۱۳۸۵م: ۵). وقتی این کمال مطلوب به دلایلی به منصفه ظهور نمی‌رسد و ظهور جامعه‌ای دلخواه تنها در حد رؤیا می‌ماند، نویسنده ناگزیر به نشان دادن زشتی‌ها، نواقص و لغزش‌های آن جامعه می‌پردازد تا با ترسیم دورنمای مصیبت‌باری که نتیجه یک رویه اشتباه است، اندیشه‌ها را بیدار سازد و مانع انحطاط و نابودی جامعه گردد.

ادبیات فاسدشهری در رمان‌های عربی پدیده جدیدی نیست؛ در میراث پیشینیان نیز نمونه‌هایی از این نوع ادبیات وجود دارد. اما شرایط خاص و اوضاع نابسامان برخی کشورهای عربی در سال‌های اخیر، در گسترش این نوع ادبی در آثار معاصر تأثیر داشته‌است. ظهور کشور اسرائیل و صدمات ناشی از آوارگی فلسطینیان، دامن کشورهای مجاور آن را نیز گرفت. سوریه و لبنان، از آتش جنگ درامان نماندند و مردم این کشورها علاوه بر خسارت‌های مالی و جانی، دچار آسیب‌های روحی و روانی بیشماری شدند. فساد سیاسی، وضعیت شوم فرهنگی، هرج و مرج، و مشکلات فراوان شهروندان عرب که از جمله عوامل بروز خشونت‌ها و ناهنجاری‌هاست، ریشه ایجاد نشانه‌هایی از ادبیات ویران‌شهری در آثار ادیبانی چون نجیب محفوظ، یوسف ادريس و عبدالرحمن الشرقاوی و دیگران بشمار می‌رود.

خانم غادة السمان، یکی از نویسندگان توانمند و پرکار سوری در قرن بیستم است. او روزنامه نگار، رمان‌نویس و شاعر است و نگارش بیش از چهل رمان، مجموعه داستان کوتاه، دیوان شعر و مجموعه مقالات متعدد اجتماعی را در کارنامه ادبی خود دارد. نمایاندن فساد سیاسی، شکاف طبقاتی، نابرابری‌های اجتماعی و بویژه بی‌توجهی به حقوق انسانی زن در جوامع عربی، از جمله دغدغه‌های این بانوی منتقد ناسیونالیست است. او در اکثر رمان‌هایش به ترسیم پیامدهای تلخ ناشی از شکست اعراب در جنگ با اسرائیل پرداخته و مشکلات گریبانگیر زنان عرب را در سرزمین‌های جنگ زده به چالش کشیده‌است. جستار پیش‌رو به بررسی آن دسته از آثار غادة السمان اختصاص یافته که زمینه پژوهش فاسدشهری را داشته‌اند. رمان‌ها و داستان‌های منتخب در این حوزه عبارتند از: *کوابیس بیروت*، *بیروت ۷۵*، *ليلة المليار*، *رحيل المرافع القديمة*. نویسندگان کوشیده‌اند با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی توصیف السمان از سرگشتگی انسان در فضای خفقان‌زده و ملال‌آور جامعه عربی بپردازند، همچنین بررسی الگوی پیشنهادی این نویسنده (واقع شهر) برای نجات جامعه از بحران‌های اجتماعی، از اهداف این

پژوهش است.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

جستار حاضر در پی پاسخ به این سؤالات است:

- مهمترین عوامل تشکیل دهنده ضد آرمان‌شهر در اندیشه غادة السمان کدامند؟
- کدام مؤلفه ضد آرمان‌شهری در رمان‌های غادة السمان نمود بیشتری دارد؟
- خصوصیات آینده‌ای که السمان برای جامعه در نظر دارد آرمان‌شهری است یا واقع‌شهری؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های فراوانی درباره آثار ادبی غادة السمان انجام پذیرفته که مرتبط‌ترین آنها با پژوهش حاضر عبارتند از:

- بهروزی. زهره و ناصر زارع. ۱۳۹۹ش. بررسی مناسبات قدرت و ایدئولوژی در رمان «بیروت ۷۵» بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی. در این پژوهش نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که برخی از ویژگی‌های زبانی مانند واژگان، قیدهای حالت، زمان و تشبیه، نقش موثری در برجسته‌سازی نابرابری توزیع قدرت و تثبیت تقابل طرفین گفتمان داشته‌است.
- حسینی. شکوه السادات. ۱۳۹۷ش. رمان *ليلة المليار* (شب ملیاردر) روایتی زنانه از مهاجرت. با وجودی که این مقاله خوانشی فمینیستی درباره تجربه غادة السمان از مهاجرت است، اما نتیجه بیانگر عدم مصونیت نویسنده زن در طول داستان، از نگاه مردسالارانه و تفسیرهای جنسیتی از کنش شخصیت‌ها در شخصیت‌پردازی است.
- نوروزی. زینب و محدثه هاشمی. ۱۳۹۳ش. جلوه‌های ادبیات شگرف در رمان *کوابیس بیروت* نوشته غادة السمان. نویسندگان با تکیه بر نظریه ادبیات شگرف از تودورف بلغاری، به تحلیل رمان نامبرده پرداخته و از میان عناصر و تکنیک‌های داستانی، توصیف شخصیت‌ها، زاویه دید، کانونی شدگی و تک گویی درونی را بیان‌کننده تردید شخصیت دانسته‌اند.
- در حوزه مطالعات آرمان‌شهری نیز تحقیقات ارزشمند بسیاری انجام شده‌است. اما از آنجا که مطالعات ضد آرمان‌شهری نسبت به آرمان‌شهری، نو ظهورترند لذا پژوهش‌های کمتری به این حوزه اختصاص یافته‌است. برخی پژوهش‌های ضد آرمان‌شهری که به رمان عربی معطوف شده، به قرار ذیل است:

- مقاله «تظاهرات الیستویا فی الروایة العراقية الحديثة، روایة "یا مریم" للروائی سنان أنطون أنموذجاً»، اثر جاسم نگارش و همکاران (۲۰۲۲م)، نشانه‌های ویران شهر در جامعه عراق قبل و خلال تشکیل حزب بعث می‌پردازد و عوامل ایجاد آن را پیامدهای جنگ‌های متعدد، ظهور گروه‌های افراطی که جز انفجار، خونریزی و اعدام ثمره‌ای ندارند، می‌داند.
- فرهاد رجبی و همکاران (۲۰۲۰م) در مقاله «خوانش ویران شهری رمان فرانکشتاین فی بغداد، بر اساس اصطلاحات مرتن بر دیدگاه کارکردگرایی ساختاری»، از منظر جامعه‌شناختی عوامل عدم دستیابی به آرمان‌شهر و تشکیل دژشهر را در این رمان بر پایه سه اصل مرتن بررسی کرده‌است.
- مقاله «اللیستویا (المدينة الفاسدة) فی الروایة العربية المعاصرة؛ قراءة فی روایة "أورویل فی الضاحية الجنوبية" لفوزی ذبیان» اثر فاطمه پرچگانی (۲۰۱۸م)، به بررسی عوامل انسانی و اجتماعی شکل دهنده یک جامعه فاسد پرداخته و این عوامل را در ساختار روایی رمان مذکور واکاوی می‌کند.
- احمد عبدالرزاق ناصر الحسینی، (۲۰۱۵م). در مقاله «ثنائية (الیوتویا - الیستویا) فی الروایة العراقية دراسة سیمائیة» به بررسی نشانه‌شناختی سه رمان از سه نویسنده مختلف (الهواء القلیل: جاسم حلاوی، نجمة البتلاوین: شاکر الأنباری، وحدها شجرة الرمان: سلیم إنطون) پرداخته، تا دوگانگی مدینه فاضله قبل از ۲۰۰۳م و مدینه فاسده پس از آن را در کشور عراق، بر اساس مربع گریماس به تصویر بکشد. همانطور که ملاحظه می‌شود جستار حاضر با پژوهش‌های مذکور متفاوت است.

۳-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

آرمان‌شهر وضعیتی خیالی و فراسوی واقعیت یا دورنمایی وسوسه‌انگیز از جهان آرزوهاست. گروهی آن را سرگرمی روشن‌فکرانه‌ای می‌دانند که دورنمایی بس زیبا را فرادید آدمی می‌نهد، اما سرابی در برهوت یا خوابی بی‌تعبیر است. برخی نیز آن را نقابی فریبنده بر چهره جباریتی سرکوبگر می‌دانند. (اصیل، ۱۳۷۱: ۱۷) با این وجود، نباید تصاویر ارائه شده از سوی اندیشمندان در باب مدینه فاضله را خیال‌پردازی محض انگاشت، بلکه این «آرمان‌شهرها بازتاب شرایط عینی جامعه‌اند. نویسنده یا طراح آرمان‌شهر که از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خویش یا از اوضاع حاکم بر جهان ناخرسند است و شرایط عینی را با تصورات ذهنی و آرمان‌های خویش ناساز می‌یابد، می‌کوشد با طرحی آرمانی وضع موجود را نفی و ارزش‌های آن را انکار کند. در این صورت، آرمان‌شهر تنها وسیله گذار از عینیت به ذهنیت و پناه بردن به تخیل صرف نیست، بلکه بازآفرینی ذهنی جامعه است به

قصد انتقاد از نظام مستقر و محکی است برای سنجش وضع موجود و آشکار ساختن نارسایی‌ها و ناروایی‌هایش» (همان: ۲۳).

مفهوم آرمان‌شهر در ادبیات در قرن شانزدهم توسط «توماس مور»^۱ متفکر انگلیسی که با فلسفه آشنا و مدافع جمهوری افلاطون بود به کار رفت. (کنی، ۱۳۷۴: ۷)، او نخستین بار از واژه اتوپیا در نام‌گذاری رمان خود استفاده کرد. (مور، ۱۳۸۷: ۱۶) واژه (Utopia) در اصل از واژه یونانی OU «او» به معنای «نفی» و topos «توپوس» به معنای «مکان» گرفته شده (شافر، ۲۰۱۰: ۳۶۸)، که شهری است واقع بر بستر جغرافیای خیال؛ و بر «هر اثر ادبی، فلسفی، دینی که با موضوع آرزوی آرمانی پدید آمده اطلاق می‌شود.» (داد: ۱۳۸۲، ۱۷)

وجه تمایز ادبیات آرمان‌شهری با سایر انواع ادبی، کمالگرایی است. این ادبیات به خلق دو گونه از جهان‌های آرمانی می‌انجامد: جایی دست‌نیافتنی و محال، و مکانی عالی و آرمانی و قابل تحقیق. در جوامع اتوپایی، تعارض بین واقعیت و اغراق در آرمان‌گرایی، تعادل را در نهایت از بین برد و باعث تبدیل جامعه به یک ویران‌شهر شد. ویران‌شهر که ترجمه واژه یونانی ویران‌شهر است به زمان افلاطون برمی‌گردد و نام‌های دیگر آن ضد آرمان‌شهر، پلیدشهر، پادآرمان‌شهر است. فارابی از آن با نام‌های «مدینه جاهلیه، فاسقه و ضاله» و از اهل آن با عنوان «مردم ناسازگار» یاد کرده است. (فارابی، ۱۳۷۹: ۲۷۸) ویران‌شهر یا ادبیات بیمارگونه^۲، (میرصادقی و دیگران، ۱۳۷۷: ۷-۸) یکی از ژانرهای ادبی است که در زیر مجموعه ادبیات علمی تخیلی قرار می‌گیرد و «به معنی جای بد است و در اصطلاح به آن دسته آثار در ادبیات داستانی اطلاق می‌شود که در آنها خصال خوب بشری به طرزی انحطاط یافته‌است.» (داد، ۱۳۸۲: ۲۰) با توجه به رشد صنعتی، نویسندگان که از تحقق جهان آرمانی نومید شدند به داستان‌های ویران‌شهری که در مقابل این تفکر قرار داشت روی آوردند. زیرا این رویکرد به نوعی روایتگر مشکلات جوامع بشری بود. شهرهای ویران‌شهری طرح‌های اتوپایی منفی هستند که معمولاً در جهت مخالف آرمان‌شهرهای مثبت سیر می‌کنند. (روویون، ۱۳۸۵: ۱۶) در چنین شهرهایی انسان به دست خودش نابودی بشریت را رقم خواهد زد. در تعریف دیگر، ویران‌شهر آرمان‌شهری معکوس یا وارونه است که در آن کمال سرانجام به متضادش می‌انجامد. (روویون، ۱۳۸۵: ۲۷۰)

اما در کنار یوتوپیا (آرمان شهر) و ویران شهر (فاسد شهر) مفهوم سومی شکل گرفت به اسم واقع شهر (*protopia*) که «کونین کلی»^۱ (۱۹۵۲)، نویسنده آمریکایی آن را ابداع کرد. او در کتاب خود با نام *inevitable* که در فارسی به آینده نزدیک ترجمه شده، از یوتوپیا و ویران شهر به پروتوپیا رسیده است. «پرو» در واژه واقع شهر از مفاهیم فرایند (*process*) و پیشرفت (*progress*) ریشه می گیرد. واقع شهر به معنای پیشروی تدریجی در اصلاح و بهسازی است. واقع شهر جایی است که هر روزش بهتر از دیروز است. حتی اگر این پیشرفت جزئی باشد. تصور کردن واقع شهر ممکن است خیلی مشکل باشد. واقع شهر به اندازه مزایایی که دارد، مشکلات تازه ای هم دارد و این تعامل پیچیده بین مزایا و مشکلات را نمی توان به راحتی پیش بینی کرد. (ر.ک: کلی، ۱۳۸۹: ۳۹)

از نظر کلی بشر به سمت واقع شهر در حرکت است. بنابراین این مفهوم نه آرمان شهر خیالی است و نه ویران شهر بلکه چیزی میان آن دو است. او دستاوردهایی مثل کاهش جنگ ها، منسوخ شدن برده داری، لغو مجازات شکنجه و اعدام، حق رأی عمومی، لیبرال دموکراسی، حقوق و آزادی های مدنی و... را گام های بشر برای رسیدن به واقع شهر می داند. شهری که با نقصی که در انسان وجود دارد هماهنگ است و به دنبال کمال بشر نیست.

این مقاله می کوشد با شیوه توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین مؤلفه های ویران شهری در رمان های غادةالسمان، به راهکارهای نویسنده برای برون رفت از این شرایط نابسامان دست یافته و به چگونگی رهایی و گذار از جامعه ای فاسد به جامعه ای سالم تر برسد. از این منظر در کنار بررسی عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که باعث ایجاد زمینه ویران شهر در آثار نویسنده شده، به تصویری که السمان از آینده جامعه کشورهای عربی ارائه می دهد می پردازیم تا ببینیم آیا تصویر السمان برای آینده بشر تصویری آرمان شهری است یا واقع شهری؟

۲. پردازش تحلیلی موضوع

دامنه ادبیات پلید شهری محدود به آثاری که جامعه ای وحشتناک و خیالی را به تصویر می کشند، نمی شود بلکه شامل همه آثاری می شود که با بدینی مفرطی به واقعیت زندگی انسان در دنیای نو نگریسته اند. این نوع نگاه در آثار ناتورالیست ها و سورئالیست ها و اگزیستانسیالیست ها دیده می شود. آثاری که نگاهی تلخ و تفسیری بدبینانه نسبت به وضعیت انسان در دنیای پیرامونش دارند. (قائم،

۱۳۸۶:۱۲۵) آثار غادة السمان نیز متأثر از مکتب اکزیستانسیالیست (هستی گرایی) است. (شبستری و همکار، ۱۳۹۱:۱۴۳) اثر آموزه‌های این مکتب بر آثار السمان بوضوح قابل مشاهده است. غادة با استفاده از ابزار زبان از محدودیت‌ها و مشکلات جامعه پیرامون خویش می‌گوید و در بسیاری از مواقع نگاهی تلخ به پیرامون خود دارد. از محدودیت‌های سنتی در میان خانواده‌ها در آثاری مثل *عیناک قدری* تا محدودیت‌هایی که نظام سرمایه‌داری برای به بردگی کشیدن مردم ایجاد می‌کند و واقعیت‌های اجتماعی مانند جنگ، شکست و سرنوشت ملت‌های عرب (*بیروت ۷۵*، *کوابیس بیروت*، *رحیل المرافع القديمة* و ...) و گم‌گشتگی بشر در دنیای معاصر (*ليلة المليار* و ...)، از جمله موضوعاتی است که نویسنده در آثارش به آن‌ها می‌پردازد. ضد آرمان‌شهر السمان توصیف ویرانکده‌ای به نام وطن عربی است که فقط منحصر به لبنان نمی‌باشد، بلکه شامل همه کشورهای عربی می‌شود.

اما اینکه چه عواملی باعث ایجاد مفهوم ویران‌شهر در ذهن نویسنده شده و همچنین نویسنده تا چه حد از دل این ویران شهر امید رسیدن به واقع شهر مورد نظرش را دارد، پرسش‌هایی است که جستار حاضر در پی دادن پاسخ به آن است.

۱-۲. بحران کشورهای عربی

۱-۲-۱. جنگ

به طور کلی دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ میلادی در سرزمین‌های عربی بخصوص لبنان و مصر دهه‌ای پر از آشوب و جنگ و ناآرامی بود. در سال ۱۹۶۷ کشورهای عربی بعد از جنگی شش روزه از اسرائیل به شدت شکست خوردند که از آن به «نکسة» یاد می‌کنند. «این جنگ که با اتحاد مصر، اردن و سوریه علیه اسرائیل شکل گرفت، شکست سختی را بر اعراب تحمیل کرد و اسرائیل توانست سرزمین‌های جدیدی از خاک عربی را به اشغال خود درآورد. این «نکسة» تاوان سنگینی برای عرب داشت و غرور و عظمت تاریخی که به آن می‌بالید را در هم شکست» (نیازی و همکار، ۱۳۹۲:۱۵۶). همچنین جنگ‌های داخلی لبنان (۱۹۷۵-۱۹۹۰) و بیرون راندن آوارگان فلسطینی از کشورهای عربی از مهمترین چالش‌های جهان عرب در این سال‌هاست.

این جنگ‌ها بازتاب بسیار گسترده‌ای در آثار السمان داشته است. چنان که می‌توانیم بسیاری از آثار او را از نوع ادبیات جنگ به شمار آوریم. تصویر درد و رنج ناشی از جنگ، کشته شدن انسان‌های بیگناه و در دام افتادگی انسان‌ها در شرایط نابهنجار و نامتعادل دنیای پیرامون، و واماندگی انسان عربی

در کشاکش شعله‌های آتش درگیری چه با دشمن خارجی (اسرائیل) و چه دشمن داخلی (جنگ‌های داخلی لبنان) از پربسامدترین تصاویر نوشته‌های السمان است که باعث ایجاد فضایی ویران شهری در آثار او شده‌است.

به طور مثال در داستان «کوابیس بیروت»، به طور خاص، زندگی عذاب آور مردم را در میان شعله‌های آتش جنگ به تصویر کشیده‌است. «لماذا لا أعتزف أنني وحيدة وخائفة في هذا الليل الجهيمي الذي يحيق بي من كل جانب؟» (السمان، ۱۹۸۷: ۸۹). (برای چه قبول نمی‌کنم که من تنها و ترسیده‌ام؟ در این شب جهیمی که از هر طرف مرا فراگرفته‌است؟) در داستان‌های ویران شهری هر جا که نگاه می‌کنی ویرانی و خرابی است و بشر در میان این ویرانی‌ها سرگردان است و راه فراری ندارد: «إنه خريف... وأنا سَجِينَة كبقية سجناء دكان بائع الحيوانات الأليفة... هذا يومي الثاني وأنا سَجِينَة...» (همان: ۲۰) پاییز است... و من هم مثل بقیه حیوانات مغازه حیوان خانگی زندانی‌ام. امروز روز دوم است و من زندانی‌ام...

زندگی در این شرایط باعث ایجاد روان‌پریشی شخصیت‌ها می‌شود. همان‌طور که از نام داستان هم پیداست شخصیت اصلی یا قهرمان داستان دچار نوعی روان‌پریشی شده و در خواب با کابوس‌های هولناک دست به گریبان است. «فرد روان‌پریش به حالاتی نظیر هذیان و توهم و جنون دچار می‌شود. بیمار روان‌پریش ممکن است صداهایی بشنود یا تصاویری ببیند که واقعیت ندارد و یا حرف‌های بی‌معنا و پریشان به زبان براند» (سیدان، ۱۳۹۶: ۱۷۲).

از نمونه‌های فراوانی که دلالت بر روان‌پریشی راوی بر اثر ترس از جنگ می‌کند، می‌توان به توهم شخصیت در مورد قیافه بچه‌های گشت اشاره کرد: «تأملنا وجوه الأطفال فبدت لنا مثل وجوه كبار مركبة على أجساد الأطفال وبدت لاهم أطول وأظافرهم تكبر ووجوههم تتجدد والعرق يتصبب من جباهم» (السمان، ۱۹۸۷: ۳۱). به صورت بچه‌ها نگاه کردیم. انگار آدم بزرگ‌ها را روی تن بچه‌ها سوار کرده‌باشند. ریش‌ها و ناخن‌هایشان بلند شد، صورت‌هایشان چروک برداشت و عرق از پیشانی آن‌ها جاری شد.

همچنین استفاده از راوی غیر قابل اعتماد «کسی که ممکن است از روی سادگی و نادانی یا روان‌پریشی و تعصب وقایع را درست نبیند و گزارش‌هایی اشتباه دهد» (میرصادقی، ۱۳۸۷: ۱۶۹-۱۷۱)، در داستان کوابیس بیروت نیز به نشان‌دادن وخامت اوضاع و ناپایداری موقعیت کمک کرده‌است و با عنوان و محتوای داستان نیز تناسب دارد.

۲-۱-۲. شکست کشورهای عربی در مقابل اسرائیل

شکست عرب در مقابل اسرائیل، عامل اصلی ایجاد ویران شهر در اندیشه و نوشته‌های سمان است و رنگ تیره آثار او بیشتر از همین حادثه نشأت می‌گیرد. «نگاه نا امید و سرخورده السمان در باب جنگ و ویرانی وطن نیز بیشتر مولود اثرات فرسایشی و شکست عرب از اسرائیل است که سبب در هم شکستن عظمت تاریخی انسان عربی شد» (کاظمی، ۱۴۰۰: ۷۵).

السمان در داستان «حریق ذلک السیف» از مجموعه *رحیل المرافیة القديمة* به تصویر جامعه عرب بعد از شکست می‌پردازد که حاکی از نگاه تلخ و سیاه اوست: «کانت ليلة حزیان من لیالی حزیان ۱۹۶۷ بعد الهزيمة بأسبوع وأكثر .. کل أضواء بیروت قد صبغت بأزرق نیلی وبدت الوجوه والأبنية والشوارع والسيارات كقبيلة بدائية في حداد ... و كان الحر خانقا والريح ماتت ورائحة ننتة تفوح من البحر...» (السمان، ۱۳۹۲: ۶۴). شب اندوهباری از شب‌های آخر ژوئن ۱۹۶۷ بود؛ یکی دو هفته بعد از شکست... همه نورهای بیروت کبود و نیلی شده بود. چهره‌ها و ساختمان‌ها و خیابان‌ها و ماشین‌ها همه و همه مثل قبیله‌ای بدوی، عزادار به نظر می‌رسید. گرما خفه‌کننده بود و باد مرده و بوی گندی هم از جانب دریا می‌آمد.

گوشه گوشه شهری که السمان بعد از شکست به تصویر می‌کشد نشانی از غم، مرگ و نیستی دارد، اطلاعاتیه‌های درگذشت مردم بر دیوارها و یا تابلوهای نقاشی (الباهی الرفیع) نقاش مشهور، تصویر گورستان‌هایی که اکنون محل تجمع زنده‌ها شده، دیوارهای بلند گورستان، توقف زندگی، زمان را کد و ایستا و غیاب زمان پویا و در حال حرکت، تصویری سیاه از جامعه‌ای است که به وسیله غفلت سردمداران آن دچار چشیدن شکست زود هنگام شده‌است: «من اللوحات تفوح رائحة الدمار والهشيم والحريق، و صدی صراخ النساء والأطفال و بقاء الرجال فی الأرض المحروقة...» (همان، ۶۵). از تابلوها بوی ویرانی و شاخه‌های خشک و آتش می‌آمد صدای ضجه زنان و کودکان و بازماندگانی از مردان در زمین سوخته... السمان بعد از این شکست فاسدشهری را به تصویر می‌کشد که در آن انسانیت به پایان رسیده‌است، مخلوطی از بوهای بد، ازدحام جمعیت و سر و صداهای مزاحم، نبود آب و برق، فقر، روسپیگری و اعتقادات خرافی از خصوصیات «شهر خاموش و منکوبی است که شبیه مرده نه جانی و نه مکانی دارد» (حیدریان شهری و همکار، ۱۳۹۰: ۹۳).

۲-۲. دروغ‌گویی و نیرنگ سران کشورهای عربی و رسانه‌ها

از نظر السمان یکی از دلایلی که باعث ایجاد ویرانی و تباهی در کشورهای عربی شده‌است دروغ و نیرنگ است. او دروغ را به مین تشبیه کرده که جاده ارتباط را خراب می‌کند و اعتقاد دارد سران

کشورهای عربی با دروغ و نیرنگ و بازنمایی غیر واقعی حقایق، ارتباط میان خود و مردم را قطع کرده‌اند. رسانه‌های عربی نیز به عنوان کارگزاران طبقه حاکم در خدمت تحکیم پایه‌های قدرت آنها، این دروغ‌ها را با شکل و شمایل زیبا و در قالب صداها و دلشین و با عنوان «مبالغات لأجل المصلحة العامة» (مبالغه‌هایی در جهت مصلحت عمومی) به خورد مردم می‌دهند: «جسر اللغة الذي لم يقدم أحد على لغمه العلني كما يفعل حكام بلادي. أكثرهم يمارس ذلك بنية طيبة وقليلهم بتواطؤ خائن وجميعهم مؤذ، وأنا .. يا لرعي! كنت طيلة عملي في إذاعة ذلك البلد العربي من بعض تلك الأداة... قتلتي أخي ... ما كنت أدري أن أشد الذبذبات الصوتية فتكا هي تلك التي يكتبها موظفو إذاعة مأجورون ...» (السمان، ۱۹۹۲: ۱۰). و این گذرگاه زبانی را هیچ کس به صراحت حاکمان کشورم مین‌گذاری نکرده‌است. اغلب اینان با حسن نیت و اندکی خائنه دست بدین کار زده‌اند و البته همگی نابکارند ... و من وای بر من در طول دوران کاریم در رادیوی آن کشور عربی، بخشی از آن دستگاه بودم و من بخشی از حنجره آن دستگاه بودم. برادرم را به کشتن دادم ... نمی‌دانستم کشنده‌ترین طول موج‌ها همان است که کارمندان مزدور رادیو می‌نویسند .

از نظر نویسنده نتیجه دروغ‌گویی و فریب این خبرگزاری‌ها ایجاد امید کاذب و موهوم نسبت به آینده در مردم است: «إعلان انتصاراتنا الموهومة بينما نحن نتقهقر» (همان: ۱۰). اعلام پیروزی‌های موهوم در زمان عقب‌نشینی.

شخصیت اصلی داستان *الدانوب الرمادي* که نماد قشر روشنفکر و دغدغه‌مند جامعه‌است آنقدر از زبان بازی‌های دروغین حاکمان و رسانه‌های کشورش گریزان است که ترجیح می‌دهد به مردی لال پناه ببرد تا از دروغ و فریب دور باشد: «جورجی أخرس معه أستطيع أن أحيأ عالما بلا كلمات وبلازيف.. إنه عاجز عن النطق، أي عاجز عن الكذب والزيف» (همان: ۱۱). جورجی لال است ... با او می‌توانم دنیایی بدون کلام و بدون دروغ بیافرینم. او نمی‌تواند سخن بگوید و این یعنی توان دروغ و تقلب ندارد...

۲-۳. فقر و ظلم

ظلم و بی‌عدالتی یکی از عوامل ایجاد فاسدشهر است که به طور گسترده‌ای در آثار رمان نویسندگان معاصر بازتاب دارد. عادة السمان در بسیاری از داستان‌هایش به ظلمی که بیشتر متوجه قشر ضعیف جامعه و زنان می‌شود پرداخته‌است. در رمان کوتاه *بيروت ٧٥* غالب شخصیت‌های اصلی از خانواده‌های فقیری هستند که از ابتدایی‌ترین امکانات محرومند و هر کدام برای رسیدن به هدف خاص خود، بیروت در آستانه جنگ را به شکل آرمان‌شهر خود ساخته‌اند. «با خصوصی‌سازی آرمان‌شهرها، آرمان‌شهر از معنای اصیل خود تهی می‌شود و به جای سعادت عامه نفع شخصی را در برمی‌گیرد»

(راغب، ۱۴۰۰: ۱۸۷). به نظر می‌رسد جنگی که با ورود این شخصیت‌ها به بیروت آغاز می‌شود نتیجه شخصی‌سازی آرمان شهر توسط مردم است.

در این داستان پنج شخصیت اصلی با امید رهایی وارد ویران‌شهری می‌شوند که به قول «فرح» - یکی از همین شخصیت‌ها- مانند جهنمی است که به قول دانته^۱ «یا من تدخل إلى هنا نخل عن كل أمل» (السمان، ۱۹۹۳: ۱۲) هر که به این شهر وارد می‌شود باید از هر آرزویی که دارد دست بکشد. این شخصیت‌های از بند رسته، در بیروت اسیر بندی بزرگتر می‌شوند.

زمانی که اتوپیا نابود می‌شود موقعیت ایستایی شکل می‌گیرد که انسان در آن به شیء تبدیل می‌شود. در این حالت با این تناقض مواجهیم که انسان در اوج شکوفایی فکریش هیچ آرمانی ندارد و تنها انگیزه‌های آنی سازنده زندگی اوست. (مانهایم، ۱۳۸۰: ۳۳۹) شخصیت‌های داستان بیروت ۷۵ نیز بعد از اینکه با واقعیت جامعه مواجه می‌شوند و به مطلوب خود نمی‌رسند مانند کالایی بی ارزش بازیچه دست افراد می‌شوند. «آنان از گذشته‌ای نا امن در اکنونی نامشخص، به سوی آینده‌ای موهوم در حال حرکتند و در این دوران مرگ‌آور و تهوع‌زا هیچ چیزی بجز پوچی و فرو رفتن در منجلابی عمیق‌تر در انتظارشان نیست» (حسینی، ۱۳۹۷: ۳۱).

تصویر بی‌پناهی و یا زندگی سخت این مردم که در اثر ظلم و بی‌عدالتی حکومت‌ها و یا اربابان ظالم بوجود آمده، بسیار دردناک است، تن‌فروشی و هرزگی، فروش دختران توسط پدران‌شان، تن دادن به کارهای پست و ... از عواقب ظلمی است که در حق قشر ضعیف جامعه عرب روا داشته می‌شود. تصویری سیاه از جامعه‌ای که هر روز بیشتر از پیش در باتلاق ظلم و فساد فرو می‌رود، از پربسامدترین تصاویر داستان‌های السمان است: «منذ وصل بيروت وهو يتكسّع مسكونا بالدهشة، كل تلك الأقدار في سوق الخضار، كل ذلك الفقر والبؤس في البرج وأكثر الأحياء، وكل تلك اللامبالاة في شارع الحمراء... آه كم أنا ضائع ووحيد!» (السمان، ۱۹۹۳: ۱۷). از روزی که به بیروت رسید، هاج و واج و سرگردان می‌گشت. آن همه آشغال در بازار تره‌بار، آن همه تنگدستی در برج و بسیاری محله‌های دیگر، بی‌بندوباری‌های خیابان حمراء... آه چه سرگشته و تنهایم!

در رمان *ليلة المليار* غادة از زبان رغید شخص میلیونری که دوران کودکی سختی را در بیروت و در میانه جنگ‌های داخلی گذرانده‌است، از بین رفتن اخلاقیات در جامعه آن زمان لبنان و نابرابری طبقات

اجتماعی را به تصویر می کشد: «والبؤس یعم،... والجولات تتوالی... والحروب تتلاحق.. توقفنا عن العیش بکرامة وضاعت أحلامنا في مغادرة الفقر إلى العدالة، وانتشر الظلم، وتوقفنا عن الحلم..» (السمان: ۲۰۰۳: ۶۰). بدبختی همه جارا فراگرفته بود... حمله ها همچنان ادامه داشت... جنگ ها پشت سر هم اتفاق می افتاد... از ادامه زندگی باکرامت بازماندیم و امیدمان به رهایی از فقر و رسیدن به عدالت از بین رفت. ظلم گسترده شد و از رؤیایمان دست کشیدیم.

۲-۴. اعتقادات خرافی

اعتقادات خرافی در تفکر عرب معاصر و در تمام سطوح اجتماعی چه در میان عامه مردم و چه میان خواص و نخبگان جامعه وجود دارد. (وطفة، ۱۶۹:۲۰۰۷) خرافات سلاح عقب ماندگی است. عادة السمان در آثار بسیاری به خرافات به عنوان یکی از مؤلفه هایی که جامعه را به مدینه فاسده تبدیل می کند اشاره دارد. السمان، ریشه این پدیده را در فقر، و مشکلات اجتماعی و اقتصادی می داند. «نتیجه انتشار عقاید خرافی در میان مردم باعث سلطه هر چه بیشتر نظام اجتماعی ای می شود که از این تسلط سوء استفاده کرده و مردم را روز به روز بیشتر اسیر و برده خرافات می کند» (حجازی، ۱۹۸۶: ۱۵۶).

عادة در رمان کوابیس بیروت زن خیاطی را به تصویر می کشد که بعد از کساد شدن بازار خیاطی و رو آوردن زنان به لباس های آماده، شغل کف بینی را پیش گرفته و مشتریان زیادی نیز دارد: «فهی قد اعتادت التحديق في نقطة معينة منذ كانت تراول عملها كخیطة... إلا أن الزمن تبدل، والسيدات هجمن علی دكاكين الثياب الجاهزة... وقررت خاتون الخیطة أن تتحول الى بصارة وعالمة في ضرب الرمل وفكّ السحر...» (السمان، ۱۵۳:۲۰۰۰). به خیره شدن به یک نقطه از همان زمان که شروع کرده بود به خیاطی عادت داشت... اما زمانه عوض شده بود و زن ها به مغازه های لباس های آماده هجوم می بردند... خاتون خیاط از آن زمان کف بین شده بود و فال می گرفت و سحر و گرّه باطل می کرد...

به جز طبقه فقیر جامعه بخشی از طبقه اشراف و رجال سیاسی نیز به خرافات اعتقاد دارند و در تصمیم گیری های سیاسی به سحر و جادو تمسک می جویند و در دنیای اوهام خود غوطه ورنند و خبر از درد و رنج مردم ندارند. «هنگامی که انسان طعم قدرت را می چشد تمام نیرویش را بکار می برد تا جایگاهش را حفظ کند و این تبدیل به یک انگیزه برای او می شود. دلیل مراجعه بسیاری از اهالی سیاست به منجمین و پیشگوها همین انگیزه است» (منصوری، ۱۸۵:۲۰۰۷).

در رمان لیلة المليار ثروتمندان و رجال سیاسی خرافه پرست به تصویر کشیده شده اند: «لم أكن أصدق أن في زمننا من يلجأ الى السحرة ولو لم أر زبائن الشيخ وطفان من الأقوياء والأثرياء وحتى زعماء السياسيين من الاتجاهات

كلها، لما صدقت أن هذا الهذر ما يزال يدور في زمن احتلال لبنان بعد فلسطين.. ولحظة فجر أخي نفسه بالديابة الإسرائيلية كان أحد الزعماء العرب يستشير الساحر جالسا هنا كالطفل في حضرة» (السمان ۳۲۵-۳۲۶:۲۰۰۳). نمی‌توانم باور کنم که در زمانه ما کسانی هستند که به پیشگوها مراجعه می‌کنند. اگر مشتری‌های شیخ وطفان را ندیده‌بودم که همه از طبقه قدرتمندان و اشراف و حتی رهبران سیاسی از طیف‌های مختلف هستند، باور نمی‌کردم که این افکار بیهوده هنوز هم بعد از اشغال فلسطین و در زمان اشغال لبنان وجود داشته‌باشد. زمانی که برادرم خودش را زیر تانک انداخت و منفجر شد، سیاست‌مداران عرب مثل یک بچه جلوی یک کف‌بین نشسته بودند و از او مشاوره می‌گرفتند.

۲-۵. تنهایی روشنفکر

تنهایی روشنفکر از موضوعات پر بسامد در داستان‌های غادة است که به ایجاد فضایی فاسدشهری در داستان‌های او نیز کمک کرده‌است. مقصود از تنهایی روشنفکر «به انزوا کشیده شدن و ایجاد احساس جدایی و ناهماهنگی روانی و اندیشگی با سنجه‌های عامه پسند جامعه‌است» (النوری، ۱۷:۱۹۸۱). روشنفکر در جامعه برای مفاهیمی ارزش قائل است که برای بسیاری از مردم ارزشمند نیست، از این رو احساس می‌کند رؤیاها و آرمان‌های او برای اصلاح جامعه از بین رفته‌است. تنهایی و انزوای روشنفکر در داستان‌های غادة در تضاد فرهنگی با جامعه‌ای که درک درستی از افکار و ارزش‌های او ندارد بوجود می‌آید. «این تنهایی تنهایی انسان دارای فردیت برجسته‌است که شکاف میان خواسته‌های خود و جامعه را می‌بیند» (ملایری و همکار، ۱۳۹۲:۸) غادة خود در این باره می‌گوید: «انسان عرب اگر طوطی صفت و رام نباشد بسیار با تنهایی ناگزیر، دست و پنجه نرم می‌کند» (السمان، ۱۸۳:۲۰۰۳).

روشنفکران داستان‌های غادة عمدتاً در پی شکست اعراب از اسرائیل، جنگ‌های داخلی لبنان و یا فساد دستگاه‌های حکومتی، دچار احساس سرخوردگی شده و قائل به نوعی شکاف میان خود و دیگر افراد می‌شوند. حتی گاهی تفاوت دیدگاه آنها با سیاست‌مداران، روزنامه نگاران و اصحاب به ظاهر فکر در جامعه باعث ایجاد این حس می‌شود. روشنفکر برای رهایی از ننگ این سیستم فاسد به دنبال فراموشی‌است. او که نمی‌تواند تسلیم این شرایط شود، جهان را بی‌مقدار فرض می‌کند و به مکان‌هایی دور از مردم کشور خود پناه می‌برد، او که به امور سیاسی آگاهی دارد، خسته از تلاش برای تغییر، بر اثر سرکوب نظام سیاسی، دچار تنهایی سیاسی شده و به انزوا کشیده شده‌است. (نویمان، ۲۶:۱۳۷۲) انسان فرهیخته به چنین شهری احساس تعلق نمی‌کند و همواره دنبال راهی برای فرار از آن است. گاهی با مهاجرت به کشوری دیگر و گاهی با گریز از خود و هویت خود. لذا در رمان‌های پادآرمان‌شهری

همواره جنگی میان شخصیت‌ها با خودشان در حال وقوع است.

در داستان *الدانوب الرمادی* شخصیت اصلی داستان که با توجه به شخصیت نویسنده به نظر می‌رسد خود او باشد، به عنوان یک روزنامه نگار و گوینده رادیو با احساس بیگانگی از خود و دیگران، چون مردگانی که به ظاهر زنده‌اند، به دنبال دوری از احساس شکست، از بالینی به بالین دیگر و از شهری به شهر دیگر می‌گریزد ولی چون آنچه گم کرده هویت خویش است، در هیچ کجا آن را نمی‌یابد و دچار احساس اندوه و غربت می‌شود و به تمرد و عصیان در مقابل ارزش‌ها و رسوم اجتماعی (همخواهی با مردان بیشمار) دست می‌زند و احساس جدایی و ناتوانی در سازگاری با جامعه فاسد دارد: «رجل آخر، يوم آخر، فندق آخر ومدينة أخرى وأنا في رحلة تخدير جديدة ... الهرب ... أنا هنا لأهرب ... لأنسى ... أنسى» (السمان، ۸-۱۹۹۲: ۹). مردی دیگر، روزی دیگر، هتلی دیگر و شهری دیگر و من در سفر بی حسی جدید... فرار... من اینجا هستم که فرار کنم... که فراموش کنم... فراموش کنم.

احساس تنهایی این شخصیت از آنجایی نشأت می‌گیرد که بواسطه هم‌حزبی‌هایش درک نمی‌شود و برعکس نگرانی وی برای ویران‌شهر به جا مانده از وطن، وارونه تعبیر شده و متهم به مزدوری می‌شود: «قلت لهم بحرقه: لماذا التفكير في بلادي مرادف للعمالة. أنا أفكر ، فأنا عميل؟!.. لماذا؟..» (السمان ۱۲: ۱۹۹۲) با خشم گفتم: «چرا فکر کردن به کشور به معنای مزدوری است؟ من فکر می‌کنم، پس مزدورم؟! ... چرا؟ ...»

تنهایی روشنفکر را می‌توان در شخصیت‌هایی مثل مصطفی در رمان *بهرت ۷۵* نیز مشاهده کرد. او پسری شاعر از یک خانواده فقیر ماهیگیر است که مجبور است برای کمترین نیاز خود یعنی غذا با پدرش به دریا برود. فقر باعث می‌شود مصطفی به عنوان نمادی از طبقه آگاه و روشنفکر که از ظلم ارباب به رعیت آگاه است، دست از شعر گفتن بکشد و بعد از مرگ پدر به کار ماهی‌گیری بپردازد. تقابل میان به انزوا کشیده شدن روشنفکر (مرگ روشنفکر) و دست یافتن به حداقل امکانات زنده بودن و نه زندگی، در این جمله غاده درمورد مصطفی آن جایی که مجبور می‌شود، برای نجات از گرسنگی ماهی بخورد نمایان است: «أكلها ولم يكتب قصيدة» (السمان، ۳۶: ۱۹۹۳). ماهی را خورد و دیگر شعری نوشت.

در داستان «حريق ذلك الصيف» از مجموعه «رحيل المرافئ القديمة» شخصیت اصلی داستان نیز که نماینده روشنفکران و دغدغه‌مندان جامعه است، برای رهایی از طعم تلخ شکست و سرافکندگی کشورهای

عربی بسیار مشتاق است که زندگی را بدرود گوید و به آرامش ابدی دست یابد: «کم هو رائع إن ينتهي كل شيء هنا، ببساطة، ليالي الوحشة الطويلة تنتهي» (السمان، ۱۹۹۲: ۷۵). چقدر خوب می‌شد که همه چیز اینجا به سادگی تمام می‌شد، شب‌های بلند وحشت تمام می‌شد. در همین داستان علت انزوای روشنفکر در چنین جامعه آشفته‌ای به تصویر کشیده شده است: «هَضْ عبقری آخر، وبدأ يتحدث بصوت عال عن فضائل الهزيمة، وكيف أُلْها نكسة وليست هزيمة، وبدأ يَخَوِّن كل من يجيء على أن يقول عبارة هزيمة... لماذا دوما مواجهة الحقيقة خيانة؟ كيف نتنصر ونحن نخون ذاتنا حين نموه عليها الحقائق؟» (همان: ۶۹). نابغه دیگری برخاست و سخنان خود را اندر فضائل شکست آغاز کرد. گفت: این نه شکست که عقب‌نشینی بوده و هرکس جرئت کند و کلمه شکست را بگوید خائن است. چرا همیشه روبرو شدن با حقیقت خیانت است؟ ما که با پوشاندن حقایق به خود خیانت می‌کنیم چگونه می‌توانیم پیروز شویم.

جامعه‌ای که شکست را پیروزی جلوه می‌دهد و در مدح آن، قصیده‌ها می‌سراید، از دید روشنفکر، جامعه‌ای شکست خورده و روبه زوال تلقی می‌گردد. جامعه‌ای که به سمت آرمان‌شهری خیالی در حرکت است.

۲-۶. فساد اخلاقی

در فاسدشهری که السمان به تصویر می‌کشد ستمی که به زنان وارد می‌شود ابعاد مختلفی می‌یابد. زنان روسپی در اندیشه غاده محصول طبیعی چنین شهری هستند. گناه تن‌فروشی این زنان بر عهده جامعه‌ای است که باعث ایجاد فقر و یا احساس حقارت در آن‌ها شده است. زنان برای رهایی از فقر و یا رسیدن به جایگاه برابر با مردان و راه یافتن به گفتمان غالب که در انحصار مردان است، دست به تن‌فروشی می‌زنند. در رمان بیروت ۷۵ یاسمینه دختر راهبی که برای آزادی از قید و بند صومعه و نیز کسب درآمد و رهایی از فقر و علاقه‌ای که به پذیرفته‌شدن و دیده شدن دارد به بیروت می‌رود. او بیروت را مدینه فاضله‌ای می‌داند که قرار است او را از همه محدودیت‌ها نجات دهد: «بیروت تنتظرنی، بكل بریقها، بكل إمكانات الحرية فيها، بكل إمكانات الحب فيها... قلبي طائر جائع للتخليق» (السمان، ۱۹۹۳: ۹). بیروت با همه آب و رنگش منتظر من است. بساط آزادی و عشق و شهرت در آن جا جور جور است. دلم پرنده‌ای است تشنه پرواز.

ذاما سرانجام به خاطر فقر مجبور می‌شود تن به همخوابگی با مردی ثروتمند دهد و بعد از اینکه آن مرد با زن ثروتمندی از طبقه خود ازدواج می‌کند، یاسمینه به ناچار نزد خانواده خود برمی‌گردد و به خاطر ناموس‌پرستی در نهایت به دست برادرش قربانی نظام پدرسالار می‌گردد.

از آنجا که تمام پدیده‌های اجتماعی در اندیشه غاده با هویت ملی پیوند خورده، نگاه او به تن‌فروشی زنان نیز نگاهی هویتی است و آن را از آثار بی‌حرمتی به وطن می‌داند. در کشوری که جنگ، فقر و فساد سیاسی و مطبوعاتی از سوی مردان بیداد می‌کند، وطن بی‌حرمت می‌شود و در نتیجه زن نیز بی‌حرمت می‌شود: «سیدی المحترم... حوّل حنجرتي إلى مومس، شارکت في تحويل مؤسسات الإعلام في بلادی إلى بیوتات للعهر... یا سیدی المحترم... راقی کلماتک... یغلی دمکم لمراً امرأة توسخ جسدها وذاتها كي تصیر منکم وتنتمی إليکم، تجنون أمام جسدها المستباح، ولا تحسون بشئ أمام جسد الوطن المستباح... وطنی غانية التاريخ...» (السمان، ۱۹۹۲: ۳۶-۳۷). آقای محترم!... حنجره‌ام را روسپی کردی و در تبدیل مؤسسات تبلیغاتی کشورم به خانه‌های فساد سهیم شدی... آقای محترم! مواظب حرف‌هایت باش. شما با دیدن زنی که تن و روان خود را به پلیدی سپرده تا مثل شما شود و به میان‌تان راه یابد، خونتان به جوش می‌آید و در برابر تن بی‌حرمتش دیوانه می‌شوید، ولی در برابر تن بی‌حرمت وطن هیچ حسی ندارید... وطن من روسپی تاریخ است...

۷-۲. پروتوپیا (واقع شهر) در اندیشه السمان

همانطور که گفتیم واژه یوتوپیا به معنای ناکجا آباد است؛ همچنین ویژگی خیالی بودن فصل مشترک بیشتر تعاریف آرمان‌شهر می‌باشد. با توجه به این مطلب، حال این سؤال پیش می‌آید که السمان با وجود بیان دلایل ایجاد پادآرمان‌شهر و ذکر خصوصیات و جلوه‌های آن در داستان‌های خود، آیا برای بشر آینده‌ای نجات‌بخش متصور است؟ همچنین آینده‌ای که السمان تصور می‌کند آینده‌ای آرمان‌شهری با صفات ناکجا‌آبادی و تخیلی است یا آینده‌ای پروتوپایی و واقعی؟

بی‌شک السمان مانند هر روشنفکر دغدغه‌مندی در تصویر فاسدشهر و نمایش دقیق و اوضاع روشن زمانه خود و وضعیت پریشان و نابسامان مردم جامعه و ظلم و ستم دستگاه سیاسی کشورهای عربی که لبنان نمونه‌ای از آن است و نیز ریشه‌یابی معضلات اجتماعی و سیاسی، به دنبال آگاهی و بیداری مردم از خواب غفلت است و تلاش دارد امید را در دل مردم زنده نگه دارد و در نهایت جامعه را به تغییر اوضاع رهنمون سازد، اما جامعه ذهنی نویسنده بعد از گذار از این پادآرمان‌شهر چه مدلی دارد؟

در بسیاری از داستان‌های السمان، دید نویسنده به آرمان‌شهر از خلال سرنوشت دردناک شخصیت‌ها مشخص می‌شود. مثل آنچه راجع به سرنوشت شخصیت‌های داستان بیروت ۷۵ گفتیم. اما در داستان لیلۃ المليار السمان به طور خاص به دروغین بودن یوتوپیا اشاره می‌کند: «هل سمعت بذلك المحتال الذي جمع ثروة من مساکين صدقوا أنه ثمة يوتوپيا تدعى يوتوليا وأعطاهم تأشيرات سفر إليها واختفى؟...» (السمان، ۲۰۰۳، ۲۷۲)

شنیدی که آن مکار پول بیچاره‌ها را جمع کرد؟ آنها باور کردند آرمان‌شهری به اسم یوتوپیا وجود دارد. گذرنامه‌های سفر را به آنها داد و غیب شد.

با توجه به گزاره فوق به نظر می‌رسد از دید السمان وجود یوتوپیا امری محال است و جز نیرنگی برای بشر نیست. لذا او به دنبال تصور واقع شهر است. شهری که هر روز یک قدم به جلو می‌رود. تصویری از جهان که در حال بهروزی است. «امروز چنان از کاستی‌های نوآوری‌ها آگاهیم و چنان از نوید آرمان‌شهرهای گذشته ناامیدیم که حتی تصور یک جامعه واقع شهری ملایم در آینده برایمان سخت است. جامعه‌ای که در آن فردا کمی بهتر از امروز باشد. پس در زمان کوتاه حال، گیر افتاده‌ایم، زمان حالی که دورنمایی برای نسل‌های بعدی ندارد. اما انتخاب دیگرمان این است که آینده و بهتر شدن آن را بپذیریم. آینده‌ای که به سوی آن می‌رویم محصول یک فرایند است، فرایند بهتر شدنی که امروزه آن را می‌توان دید» (کلی، ۱۳۹۸: ۴۲).

السمان معتقد است دستیابی به این واقع شهری تدریجی جز با تلاش و مقاومت در برابر عقاید نادرست بخصوص نگاه تحقیرآمیز به زن، دسته‌بندی‌های داخلی و دشمن خارجی (اسرائیل) و امید داشتن به آینده میسر نمی‌شود؛ جهانی که به مرور در آن تبعیض جنسیتی، ظلم، فقر و فساد کم و کمتر شود و آینده‌ای امید بخش را رقم زند. این طرز فکر در شخصیت‌های داستان‌های السمان بوضوح قابل مشاهده است. به طور مثال در داستان لیلۃ المليار، خلیل مدتی بعد از بازگشت سوئیس و دیدن طنابی که اسرائیلی‌ها در شهر کشیده‌اند و مانع از ورود شهروندان می‌شوند، از بازگشت خود دچار پشیمانی می‌شود. اما روزی با تصویر زیبایی بر فراز خرابه‌های بیروت مواجه می‌شود: «فوق الخراب کلها، بین البيوت المتهمة شاهد خليل طائرة ورقية ملونة تطير وتعلو... كانت شينا غريبا وأليفا، راکضا فوق صفحة الموات مثل طفل غادر رحم أمه المختصرة حيا، ... إني أراهم يجتمعون يلقون الرصاص صوب الطائرة الورقية الملونة، يريدون إسقاطها، ولكن الطائرة الورقية الملونة تابعت تخلقها...» (السمان، ۲۰۰۳، ۴۹۲) روی همه خرابی‌ها و میان خانه‌های تخریب شده، خلیل بادبادکی رنگی دید که پرواز می‌کرد و بالا می‌رفت... چیز ناشناخته و آشنایی بود؛ روی زمین مردگان تند حرکت می‌کرد. مثل بچه‌ای زنده که رحم مادر مرده‌اش را ترک کرده باشد. آنان را می‌دیدم که جمع شده بودند و می‌خواستند به بادبادک تیر بزنند، می‌خواستند آن را به زمین بیندازند، ولی بادبادک به بال زدن ادامه می‌داد.

خلیل با دیدن این تصویر به این نتیجه می‌رسد که باید ماند و ساخت و آینده‌ای بهتر را برای فرزندان وطن فراهم آورد: «سأبقى هنا... ولكن ما يكون.. إذا رحلنا جميعا، من يقص الخيط؟» (همان) اینجا

خواهم ماند... هرچه بادا باد... اگر همه برویم چه کسی این طناب (طناب اسرائیلی ها) را قطع می کند؟ و یا در داستان بیروت ۷۵، بعد از اینکه تمام شخصیت های اصلی داستان بر اثر فقر و بی عدالتی به سرنوشتی تلخ دچار می شوند، با معرفی مصطفی - جوانی ماهی گیر و شاعر - امید در دل خوانندگان جان می گیرد. او بعد از مرگ پدر، هرچند مجبور است شغل او را ادامه دهد ولی همزمان سفر سختی را آغاز می کند و با جمعی از دوستانش وارد جبهه مبارزه با خانواده سکینی و سلمونی و امثال آنها می شود: «صار مشغولا بالحرب مع آل سکینی والسلمونی وطبقتهما التي تسرق اللقمة من أفواههم... صارت أذناه مشرعتين لأئين الناس حوله... لأئين الرجال الذين يقتحمون البحر والمخاطر...» (السمان، ۱۹۹۳: ۷۸). او گرم ستیز با خانواده سکینی و سلمونی و امثال آنها شده است که لقمه را از دهان آنها می دزدند. گوش هایش بدل شده اند به بادبان ناله مردم پیرامونش و مردانی که با دریا و خطر دست و پنجه نرم می کنند.

و یا در داستان حریق ذلك الصيف، حضور افراد انقلابی و مجاهد در گورستان که از نقشه هایشان برای مبارزه سخن می گویند، انگار خروج امید است از دل ناامیدی و بیرون کشیدن زندگی از دل مرگ. «أغادر المقبرة وأنا أشد على حقبة اللوحات... وأحس بأن النار المشتعلة أبدا تحت قناع جلدي المندمل قد هدأت.. واستنشق الهواء البحري بملء صدري ولا أشم تلك الرائحة وغدا لن أنام في التابوت» (السمان، ۱۹۹۲: ۹۰) چمدان تابلوها را در دست می فشارم و گورستان را ترک می کنم. حس می کنم آتشی که همیشه زیر نقاب پوست التیام یافته ام شعله ور بود، آرام گرفته است. هوای دریایی را با تمام ریه ام به درون می کشم. دیگر آن بو به مشام نمی رسد. فردا دیگر در تابوت نخواهم خوابید.

همچنین در رمان کواپیس بیروت چنین توصیفاتی در میان سیاهی و ناامیدی بر وجود رگه هایی از امید دلالت دارند: «خلف النافذة في الحديقة كانت شجرة الياسمين ماتزال مزدهرة، وأزهارها البيض تبدو كالنقاط المضيئة وسط هذا العالم الرمادي القاحل» (السمان، ۱۹۸۷: ۶۴). پشت پنجره در باغ درختچه یاس همچنان گل داشت. گل های سفید آن در میان این دنیای خاکستری و بی حاصل شبیه نقطه هایی نورانی به نظر می رسید.

در داستان الدانوب الرمادي که به نظر نگارندگان اصل تفکرات غادة السمان در آن بیان شده است؛ بازگشت روشن فکر به وطن با توجه به تمام شرایط نامطلوب، دعوت همه اقشار بخصوص سرآمدان و اصحاب فکر و قلم برای ساختن و آبادی وطن در ابعاد مختلف است: «في الطائرة العائدة من فيينا إلى بيروت، أول طائفة، كنت... كانت هناك سماء زرقاء وصافية تمتد بلا نهاية... مضيئة وزرقاء كالدانوب الأزرق العتيق» (السمان، ۱۹۹۲: ۳۸). در اولین پرواز بازگشت از وین به بیروت بودم، اولین پرواز... آنجا هوا آبی و صاف

بود و تا بی نهایت جریان داشت... روشن و آبی مثل دانوب آبی قدیمی.

۳. نتیجه گیری

آثار غادة السمان چه شعر و چه نثر بازتاب دهنده حقایق تلخ جوامع معاصر عربی است. غادة در داستان هایش وضعیت اسفبار و تاریک این کشورها بعد از شکست رقت انگیز از اسرائیل و نیز جنگ های داخلی لبنان را به تصویر می کشد. فضای ویران شهری آثار وی بیشتر از این شکست و انعکاس آن در روح و جسم مردم تاثیر پذیرفته است. او مردمی را به تصویر می کشد که از آثار این شکست انگار مسخ شده اند و در فضایی موهوم و با هویت مثله شده، زنده اند ولی زندگی نمی کنند. عواملی مانند فقر و ظلم که بیشتر گریبانگیر طبقات فرودست بخصوص زنان است و تبعیض جنسیتی و افکار خرافی و جنایاتی که در حق زنان به دست نزدیکانشان اتفاق می افتد از جمله دلایل ایجاد فاسد شهر نزد السمان است. انزوای روشنفکران نسبت به جامعه ای که در آن جهل و تفسیر وارونه حقایق ارزش و تفکر و داشتن اندیشه آزاد جرم و خیانت محسوب می شود از دیگر عوامل ایجاد فاسد شهر است. دروغ و نیرنگ حاکمان و دستگاه های تبلیغاتی و توهم پیروزی در موضع شکست و دادن امید واهی به مردم از جمله جلوه های ویران شهر در آثار السمان است. السمان در این شهر پر آشوب فساد اخلاقی زنان را نیز مورد توجه قرار داده و معتقد است زنان به دلیل دیده شدن و پذیرفته شدن به عنوان یک شخصیت مستقل در جامعه مرد سالار دست به ارتکاب این اعمال می زنند. همچنین وی بعد هویت ملی این اقدام را هم مورد توجه قرار داده و معتقد است در کشوری که وطن حرمت ندارد زن نیز از ارزش و جایگاهی برخوردار نیست. در شهری که مردان سیاست به جای هر اقدامی برای رفاه ملت نزد رمال ها و کف بین ها زانو زده و برای تعیین سرنوشت یک ملت از آنها مشورت می گیرند، در حالی که مردان بیشماری در جبهه جنگ در مقابل تانک های دشمن کشته می شوند، فضایی تاریک و تلخ حاکم است. اما از طرفی غادة السمان مانند هر روشنفکر آگاهی وظیفه خود در این شهر پر آشوب را اول آگاهی دادن و بعد امید بخشی می داند. امیدی که قطعاً به معنای خوش باوری نیست، چون با تلاش و مقاومت همراه است. السمان، که از رسیدن به یوتوپیا ناامید است و آن را نیرنگی برای بشریت می داند، به امید رسیدن به واقع شهر گام برمی دارد. یعنی رسیدن به واقع شهر؛ شهری که انسان در آن هر روز هر چند یک قدم کوچک به سمت آزادی و آبادی برمی دارد. در جدال مرگ و زندگی در آثار السمان همیشه زندگی است که بر مرگ پیروز می شود. بازگشت روشنفکر به وطن برای حرکت در مسیر

مبارزه و آگاهی مردم بخصوص جوانان برای مقابله با دشمن خارجی و دشمنان داخلی چون طبقه اشراف و حاکمان بی‌درد و آغاز جریان مبارزه که هر روز فراگیرتر خواهد شد، روندی رو به رشد است که السمان به آن معتقد است. هر چند این مسیر به مدینه فاضله منتهی نمی‌شود، اما همین مسیر رو به رشد و امیدوارانه ما را به فردایی بهتر از امروز رهنمون خواهد کرد.

کتابنامه

- اصیل، حجت اله (۱۳۷۱ش). آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- حجازی، مصطفی (۱۹۸۶م). *التخلف الاجتماعي: مدخل إلى سيكولوجية الإنسان المقهور*. بيروت: معهد الإنماء العربي.
- حسینی، شکوه السادات (۱۳۹۷ش). *رمان ليلة المليار* (شب‌میلارد) روایتی زنانه از مهاجرت. *پژوهشنامه زنان*. دوره ۹. ویژه‌نامه. صص ۲۵-۴۸.
- داد، سیما (۱۳۸۲ش). فرهنگ اصطلاحات ادبی؛ واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی (تطبیقی و توضیحی). تهران: انتشارات مروارید.
- راغب، محمد (۱۴۰۱ش). زایش روایت؛ زدایش پادآرمان‌شهر/زیستن با (پاد) آرمان‌شهر آخرین انار دنیا (۲۰۰۲) و وقت قصیر (۱۳۸۳). *مجله جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. دوره ۱۴. شماره ۱. صص ۱۷۱-۱۹۹.
- رسولی، حجت؛ آقاجانی یزدآبادی، سمیه (۱۳۹۰ش)، *مظاهر الخرافة في المجتمع العربي: دراسة في روايات غادة السمان نموذجاً، مجلة الجمعية العلمية للغة العربية وآدابها*. العدد ۲۰. صص ۲۷-۴۰.
- روویون، فردریک (۱۳۸۵ش). *آرمان‌شهر در تاریخ اندیشه غرب*. ترجمه: عباس باقری. تهران: نشر نی.
- السمان، غادة (۲۰۰۳م). *ليلة المليار*. ط ۳. بيروت: منشورات غادة السمان.
- السمان، غادة (۱۹۸۷م). *كوابيس بيروت*. ط ۶. بيروت: منشورات غادة السمان.
- السمان، غادة (۱۹۹۳م). *بيروت ۷۵*. ط ۶. بيروت: منشورات غادة السمان.
- السمان، غادة (۱۹۹۲م). *رحيل المرافئ القديمة*. ط ۷. بيروت: منشورات غادة السمان.
- سیدان، مریم (۱۳۹۶ش). شخصیت‌های روان‌رنجور و روان‌پریش در داستان‌های غلامحسین ساعدی. *نشریه ادب فارسی*. شماره ۱. صص ۱۶۹-۱۸۵.
- شبستری، معصومه؛ جوانرودی، مصطفی (۱۳۹۱ش). مرگ در اندیشه غادة السمان. *ادب عربی*. شماره ۳ سال ۴. صص: ۱۳۹-۱۶۲.

فارابی، ابونصر (۱۳۷۹ش). *اندیشه‌های اهل مدینه فاضله*. ترجمه و تحشیه: سید جعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قائمى، فرزاد (۱۳۸۶ش). ادبیات پلیدشهری و داستان معاصر فارسی. *فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی*. مشهد. شماره ۱۳. صص ۱۳۲-۱۳۴.

قائمى، فرزاد (۱۳۸۶ش). انواع نمودهای ادبیات آرمان‌شهری در ادبیات کلاسیک فارسی. *فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۱۵ و ۱۶. صص ۲۸۷-۳۰۵.

قربانی مادوانی، زهره؛ عربی، مینا (۱۳۹۷ش). تحلیل ناامنی نشانه‌ای در رمان *لیلة الملیار* از غادة السمان. *مجله زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱۸، صص ۱۹۱-۱۶۷.

کاظمی، پریسا (۱۴۰۰ش). تحلیل انتقادی گفتمان مجموعه اشعار «الحبيب الافتراضي» غادة السمان بر اساس الگوی نورمن فرکلاف. *مجله زبان و ادبیات عربی*. شماره ۲۷. صص ۶۳-۸۳.

کلی، کوین (۱۳۹۸ش). *آینده نزدیک*. ترجمه: شایان تقی‌نژاد. تهران: آموخته.

کنی، آنتونی (۱۳۷۴ش). *تامس مور*. ترجمه عبدالله کوثری. تهران: طرح نو.

مانهایم، کارل (۱۳۸۰ش). *ایدئولوژی و اتوپیا*. ترجمه فریرز مجیدی. تهران: سمت.

ملایری، یدالله؛ آقا جانی، سمیه (۱۳۹۲ش). تنهایی روشنفکر در رمان‌های غادة السمان و غزاله علیزاده. *مجله ادب عربی*. شماره ۱. صص ۱-۱۸.

منصوری، ندیم (۲۰۰۷م). *سوسیولوجیا التنجیم*. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.

مور، تامس (۱۳۸۷ش). *آرمان‌شهر (یوتوپیا)*. ترجمه: داریوش آشوری و نادر افشار نادری. چاپ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

میرصادقی، جمال (۱۳۸۷ش). *ادبیات داستانی، (قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان)*. چ ۴. تهران: بهمن.

میرصادقی، جمال؛ میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت (۱۳۷۷ش). *واژه نامه ادبیات داستانی*. تهران: کتاب.

مهناز.

النوری، قیس (۱۹۷۹م). *الاعتزاب، اصطلاحاً ومفهوماً وواقعاً*. الكويت. *مجلة عالم الفكر*. المجلد العاشر. العدد الاول. صص ۴۵-۵۷.

نویمان، فرانسی (۱۳۷۲ش). روشنفکران در غربت. ترجمه: عزت‌الله فولادوند. *مجله کلک پژوهش*. ش ۳۷. صص ۲۲-۳۹.

نیازی، شهریار؛ بیگدلی، اعظم (۲۰۱۲م). اثر النکسة الحزیرانیة علی بنية مسرحیة «حفلة سمر من اجل ۵ حزیران».

مجله اضاءات نقدیة. العدد السابع. صص ۱۵۵-۱۷۱.

وظفة، علی أسعد (۲۰۰۷م). الجمود و التجدید فی العقلیة العربیة، دمشق: منشورات وزارة الثقافة السوریة.

References

- Aseel, H. (1992). Utopia in Iranian thought. 1st Edition. Tehran. Ney Publications. (In Persian)
- Hejazi, M. (1986). Social backwardness: an introduction to the psychology of the subjugated human being. Beirut: Al-Anma Al-Arabi Institute. (In Persian)
- Hosseini, S. (2017). The Novel Billionaire's night; A Feminine Narration of Immigration. *Women's Journal*.9(25). pp. 25-48. (In Persian)
- Ragheb, M. (2022). Generation of Narrative; Removal of Dystopia/Living with (Dys)topia: The Last Pomegranate of the World (2002) and The Time of Negligence (2004). *Journal of Sociology of Art and Literature*. 14(1). pp. 171-199. (In Persian)
- Rasouli, H; Aghajani Yazdabadi, S. (2013). Manifestations of Al-Kharafa in the Arab Society: Manifestations of superstition in Arab society: a study in the novels of Ghada Al-Samman as a model. *Journal of Al-Jamaiya Al-Alamiya for Arabic Language and Ethical Studies*. Issue 20. pp. 27-40. (In Persian)
- Rovion, F. (2006). Utopia in the history of Western thought. Translated by: Abbas Bagheri. Tehran. Ney Publications. (In Persian) .
- Al-samman, G. (2003). Billionaire's Night. 3rd Edition. Beirut. Ghada al-Samman publications. (In Arabic)
- Al-samman, G. (1987). Beirut nightmares. 6th Edition. Beirut. Ghada al-Samman publications. (In Arabic)
- Al-Samman, G. (1993) Beirut 75. 7th Edition. Beirut. Ghada Al-samman publications. (In Arabic)
- Al-samman, G. (1992). The departure of al-Marafe al-Qadimah. 7th Edition. Beirut. Ghada Al-samman publications. (In Arabic)
- Seidan, M. (2016). Neurotic and Psychotic Characters in Gholamhosein Sā'edi's Fictions. *Persian literature magazine*. No. 1. pp. 169-185. (In Persian).
- Shabestri, M; Javanroudi, M. (2012). Death in Ghada-Samman Viewpoint. *Arabic literature*. 3(4), pp: 139-162. (In Persian).
- Farabi, A. (2000). *Thoughts of the people of Medina*. Translation and Annotation. Seyyed Jafar Sajjadi. Tehran. Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)

- Ghaemi, F. (2007). Dystopian literature and contemporary persian story. *Specialized Quarterly Journal of Persian Literature of Islamic Azad University*. Mashhad. No. 13. pp. 132-134. (In Persian)
- Ghaemi, F. (2007). Types of manifestations of utopian literature in classical Persian literature. *Persian language and literature quarterly*. No. 15 and 16. pp. 287-305. (In Persian).
- Madhavani's sacrifice, z; Arabi, M (2017). Analysis of symbolic insecurity in the novel "Billionaire's Night" by Ghada Al-Samman. *Journal of Arabic Language and Literature*, No. 18, pp. 167-191. (In Persian).
- Kazemi, P. (2022). A Critical Discourse Analysis of Ghada al-Samman's Al-Habib al-Efteradhi using Norman Fairclough's Model. *Arabic language and literature magazine*. No. 27. pp. 63-83. (In Persian).
- Kelly, K. (2018). *Near Future*. Translated by: Shayan Taghinjad. Tehran. Amookhte Publicaions. (In Persian).
- Kenny, A (1995). *Thomas Moore*. Translated by; Abdullah Kothari. Tehran: Tarh-e No Publications . (In Persian).
- Malairi, Y; Agha Jani, S. (2013). Intellectuals and alienation a Comparative study of "Ghada al-Samman and Ghazaleh Alizadeh novels. *Arabic literature magazine*. No. 1. pp. 1-18. . (In Persian).
- Mannheim, C (2010). *Ideology and Utopia*. Translated by Fariborz Majidi. Tehran. Samt Publications. (In Persian).
- Mansouri, N. (2007). The Sociology of the Astrology. Beirut. *Al-Mossah Al-Arabiya for Studies and Al-Nashar*. AIRP. (In Arabic)
- Moore, T (2017). *Utopia* .Translation: Dariush Ashuri and Nader Afshar Naderi. 3rd edition, Tehran: Kharazmi Publishing Company. (In Persian).
- Mirsadeghi, J (2008). *Elements of the Story (story, romance, short story, novel)*. fourth edition. Tehran: Bahman Publications. (In Persian).
- Mirsadeghi, J; Mirsadeghi (Zolqadr), M. (1998). *Dictionary of fiction literature*. Tehran. Mahnaz book. (In Persian).
- Al-Nuri, Q. (1979). *Nostalgia from the perspective of concept, terminology, and reality*. Alcove. *Alam al-Fekr magazine*. 10(1). pp. 45-57. (In Arabic)
- Neumann, F. (1993). Intellectuals in exile. Translation: Ezzatullah Foladvand. *Journal of general research*. Sh37. pp. 22-39. (In Persian).
- Niazi, S; Bigdali, A. (2012). The Effect of June Failure on the Structure of the "Soiree (Night Party) for the 5th Hazyran (June)" Play. *Rays of Criticism In Arabic & Persian*. No. 7 pp. 155-171. (In Persian). The effect of failure on the

- Watfa, A. (2007). *Stagnation and renewal in the Arab mentality*, Damascus: Manifestos of the Syrian Ministry of Culture. (In Arabic)
- Dad, S. (2013). *dictionary of literary terms; Dictionary of Persian and European literary concepts and terms (adaptive and explanatory)*. Tehran. Morvarid Publications. (In Persian).
- Shaffer, B. O'Donnell, P. Madden, D. Nieland, J. Clement Ball, J. (2010). *The Encyclopedia of Twentieth Century Fiction*. Volume 1. John Wiley & Sons . (In English)